

دولت‌ها و حرب شیعه در تاریخ



نویسنده: سید حسن الامین فرزند علامه سید محسن الامین

ناشر در فضا: اینترنت: کتابخانه مبارک شیعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در سال ۱۳۵۱، حسینیه ارشاد از استاد حسن الامین فرزند بزرگوار مرحوم آیت الله سید محسن امین برای سخنرانی در حسینیه دعوت کرد. در پی این دعوت و حضور مرحوم حسن الامین، ایشان سه سخنرانی در آنجا ایراد کرد. نخستین آنها در موضوع دایرة المعارف شیعه بود که کتابی مفصل از آثار ارزشمند مرحوم حسن الامین است و سالهاست که به طور کامل چاپ شده است. سخنرانی دوم در باره تشیع در میان اعراب بود. عنوان سخنرانی سوم خیانت‌های تاریخ بود.

این سخنرانی‌ها توسط استاد جمال الدین موسوی اصفهانی ترجمه شد و در سال ۱۳۵۹ تحت نام «تشیع انقلابی زیر شکنجه ارتجاع» توسط نشر روح در قم چاپ شد.

سخنرانی دوم با عنوان الشیعة بین العرب یا تشیع در میان اعراب در ۲۵ رمضان سال ۱۳۹۲ ق برابر با ۱۱ آبان ماه ۱۳۵۱ ایراد شد.

ترجمه آن از روی متن سخنرانی که عربی بوده و آن هم در این کتاب چاپ شده، صورت گرفته است. مع الاسف ترجمه چندان روان نیست و نیاز به ویرایش جدی دارد. با این حال چون موضوع سخنرانی و نگرش ارائه شده در آن جالب بود، همان متن را در اینجا خدمت دوستداران تاریخ تشیع ارائه می‌کنیم.

این مقاله در روزگاری که بار دیگر قدرت تشیع در جهان عرب رو به فزونی نهاده است می‌تواند زمینه تحقیقات تازه‌ای برای بررسی تاریخ شیعه باشد.

مرحوم استاد حسن الامین در این موضوع نوشته‌هایی هم به عربی دارد که به فارسی در نیامده است. خواستاران تفصیل بیشتر، می‌توانند به آن کتاب‌هایی ایشان مراجعه کنند. با توجه به تلاش‌های طولانی و گسترده این استاد باید گفت سهم وی در تاریخ تشیع بسیار وسیع و همانند پدرش حق بزرگی بر گردن شیعیان دارد. در واقع، کار کتاب اعیان الشیعه از سید محسن امین، الذریعه از آقابزرگ، الغدیر علامه امینی و دایرة المعارف الشیعیه ایشان از آثار برجسته‌ای است که در چند دهه اخیر در شناساندن شیعه نوشته شده است.

با اینکه تشیع در بلاد عربی، زاده شده و اولین بار در میان عرب پیشرفت کرد ولی خواست خداوند چنین بود که شیعه فقط در محدوده عرب نباشد. از همان روز اول عده ای از مسلمانان با اخلاص، اطراف امیر المومنین علی (علیه السلام) را گرفتند تا روح اسلام را از انحراف حفظ کرده و از تحریف کنندگان نگاهدارند. از همان روز اول در کنار رجال و شخصیت‌های عرب، قهرمانی از قهرمانان ایرانی با آنها همراه بود که او سلمان فارسی می باشد.

به این ترتیب خدا خواسته است هیچ گامی تشیع بر ندارد مگر با همراهی و مشارکت ایرانیان و به دنبال اولین گام، تشیع مسیر خود را تحت حمایت و رعایت و همکاری ایرانیان تنظیم و تعقیب کند.

شاید آن روزی که پیغمبر (صلي الله عليه و آله و سلم) سخن جاودان خود را بیان کرد و فرمود « سلمان از خاندان ما است، از اهل بیت است » جمله ای که هیچکدام از اصحاب پیغمبر بدان دست نیافتند، شاید پیغمبر با این سخن اشاره می کرد به نقش مؤثری که در آینده سلمان فارسی به عهده خواهد گرفت و آنگاه پس از سلمان، نقش مؤثری که قوم سلمان فارسی در خدمت به اهل بیت به عهده خواهند گرفت.

دولت ادریسیان

در گذشته برای اولین بار شیعیان عرب توانستند در شمال آفریقا دولتی شیعی تأسیس کنند. این دولت از آنجا پدید آمد که ادریس فرزند عبدالله فرزند حسن المثنی فرزند حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) وقتی توانست خود را از قربانگاه حجاز، واقعه فح نجات بخشد و از شهری به شهر دیگر در حال فرار بود، توانست خود را به آفریقای شمالی برساند و در آنجا توانست سرزمینی از آنرا مستقل سازد. این سرزمین اکنون دو قسمت شده قسمتی از آن را امروز به نام کشور مغرب و قسمت دیگر آن به نام الجزایر خوانده می شود و در آنجا اولین دولت شیعی را در تاریخ اسلامی تأسیس کرد. این کار در سال ۱۷۲ هجری انجام شد. داستان فرار ادریس از حجاز تا رسیدن او به آفریقای شمالی به اتفاق رفیقش راشد داستانی جالب است و در خور دقت و تأمل می باشد. این قضیه نشان دهنده نوع توجه دقیقی است که در زیر پرده، ملتها نسبت به زعمای شیعه و پیشوایان آنان ابراز می داشتند. داستان معاضدت با ادریس نشان می دهد که هرگاه ملتی می توانست از آراء خود رسماً دفاع کند، هیچگونه تردیدی نداشت که باید در کنار شیعیان بایستد.

از این بالاتر، نقشه و برنامه ای که پیشوایان و امامان شیعه ترسیم می کردند و راهی که شیعیان می پیمودند، خصوصاً در زمان حضرت صادق (علیه السلام) این بود که عده ای از رجال شیعه را می ساختند و آنها را برای فعالیت های اجتماعی آماده می کردند تا در زندگی اجتماعی برای اهداف تشیع بفرستند.

اینان موفق می شدند مهمترین مناصب حکومتی را به دست بیاورند. این شیعیان در دستگاه های حکومتی جور پناهگاه مظلومان و حامی مستضعفان می شدند. نقشی که ائمه در این زمینه داشتند برکات زیادی برای امت اسلامی داشت. به این ترتیب می توانیم صریحاً به شما بگوئیم که هنوز آنچنانکه باید روی پیشوایان و امامان شیعه تحقیق به عمل نیامده و نقش امامان در نجات دادن ملت‌های اسلامی از زیر یوغ حکومت‌ها حتی برای خود شیعیان همچنان مجهول مانده است.

امتیاز نجات ادریس از دستگاه‌های حکومتی و رساندن خود را سالم به شمال آفریقا نشان دهنده یک نوع حرکات دقیق ملت به پشتیبانی و حمایت از تشیع است. به ویژه نشان دهنده آن عده از مردان مبارزی است که پیشوایان تشیع آنها را ساخته و آنان را در مصاف حیات اجتماعی فرستاده اند. ادریس وقتی به مصر رسید، پرده از کارش در مصر برداشته شد. در اینجا مورخان اختلاف دارند. بعضی از آنها می گویند او خودش نزد رجال حکومت مصر پرده از رازش بر گرفت و بعضی دیگر از مورخان می گویند این خود دستگاه‌های حکومت مصر بودند که توانستند از کار خروج ادریس پرده بردارند. در کار کشف و معرفی ادریس در مصر به هر کدام از این دو نظر بگرائیم جای تردید نیست از نظر تاریخ که این خود مصر و رجال حکومت آن بودند که برنامه او را برای این حرکت تنظیم کردند و برای رسیدن او و رفیقش راشد از مصر به شمال آفریقا راهنمایی به عمل آوردند. او به شهر ولیلی در شمال آفریقا آنجا که امروز در کشور مغرب به همین نام معروف است رسید. او به جایی رسید که به اندازه ای از حوزه حکومت دور شده بود که رجال حکومت اسلامی دیگر نمی توانستند او را از آنجا باز گردانند. در آنجا خود را رسماً آشکار ساخت. در این جا است که عقل انسان مدهوش می شود و از استقبال و خوشامد عجیب ملت و زعمای ملت از این میهمان نوازی شیعی از کسی که تا اقصی نقاط نزد آنها آمده است تعجب می کند. همه نسبتاً از او استقبال کردند. اطراف او را گرفتند و کلبه قبائل به او خوش آمد گفتند. ادریس در آنجا حکومت ادریسیان را اعلام کرد یا بهتر بگوئیم اولین حکومت اسلامی شیعی را رسماً اعلام کرد. خوشامدی که ادریس از مردم دریافت کرد و پیروزی سریعی که به دست آورد با بهترین زبان نشان دهنده و گویای یک نوع تبادل عاطفی است که در قلب مردم از رهبران شیعی وجود داشت و نشانه یک احترام زیر

برده و سرکوب شده ای بود که در دل مردم از شیعه موجود بود. من در این وقت کوتاه، نمی توانم برای شما تفصیل بدهم و کارهای مهمی را که دولت ادریسیان در شمال آفریقا انجام داد تشریح کنم. من اقدامات مهم حکومت اسلامی ادریسیان را به این شرح برای شما کوتاه می کنم:

کار طوری بود که امویان و عباسیان نتوانستند اسلام را از ناحیه خود به قلوب مردم در آنجا وارد کنند، زیرا حکام اموی و عباسی دورترین مردم بودند از روح مردم و واقع اسلامی، از این رو کسانی که در آفریقا مسلمان می شدند پیوسته در نهضت ها و جنبش ها و قیامهایی علیه حکام ظالم شرکت می جستند.

اما مردم عادی به هیچ وجه مسلمان نشده بودند. ولی ادریس که نواده پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمومنین و نماینده کامل آنها و مجسمه ای از خصوصیات پیغمبر و علی بود به محض رسیدن به آنجا، هنوز مردم آفریقا را به اسلام دعوت نکرده بود و حکم صحیح اسلامی صادر نکرده بود، که خیلی زود مردم به اسلام توجه پیدا کردند و اطراف او را گرفتند و از او حمایت کردند و لشگریان و قهرمانان میدانانش شدند و از او سخت دفاع کردند. به این ترتیب باید گفت اولین اقدام اساسی که دولت ادریسیان به آن دست زده گسترش و همگانی کردن اسلام در شمال آفریقا بود.

آن گاه نوبت به نهضت علمی و فکری و فرهنگی آنها می رسد. نهضت علمی و فکری از شهر (فاس) پایتخت ادریسیان آغاز می شد و از آن جا به همه شهرها و سرزمین های آفریقا منتشر شد.

من در اینجا می خواهم یکی از حقایق تاریخ را صریحا بیان بکنم. مورخانی که بر این حقیقت اعتراف ندارند، یا از روی عمد است یا واقعا آن را نمی دانند. آن حقیقت این است که: همه حکومت های شیعی که در تاریخ ثبت شده دو خصوصیت بزرگ همراه داشته است. این دو چیز بزرگ را همه دولت های غیر شیعی نداشته اند و از امتیازات دولت های شیعی باید شمرد. این دو چیز عبارت است از:

۱- آزادی فکری به مردم دادن.

۲- نگهداری و پرورش دانش، اندیشه، شعر و ادب مانند پدری که فرزندش را می پرورد.

نهضت های علمی ادبی و فکری در سایه دول شیعی بر پا شده است کلیه این نهضت ها در عهد ادریسیان، فاطمیان، حمدانیان، بویهیان، مرداسیان، مزیدیان و بنی عمار بوده است. این نهضت های فکری در ادوار این دولت ها و حکومت ها چیزی نیست که بتوان در اینجا تفصیل داد، ولی در خلال بحثهای آینده برخی از مطالب آنان را متذکر می شویم. شریف ادریسی - یکی از فرزندان همین ادریسیان است.

او صاحب کتاب «نزه المشتاق فی اختراق الافاق» و صاحب اولین جغرافیای جهان است و کتاب نزه المشتاق شرح اولین نقشه است. من متأسفم که در این وقت کم نمی توانم به تفصیل درباره شریف ادریسی سخن بگویم و بیش از این ممکن نیست درباره شریف ادریسی و سایر ادریسیان به طور کلی بحث کنم. در حقیقت سخنرانی درباره شریف ادریسی بیش از یک جلسه وقت احتیاج دارد. برای اینکه در نشان دادن تاریخ امانت کامل را رعایت کرده باشیم باید در اینجا بگویم که حکومت و حرکت ادریسیان یک حرکت صددرصد عربی خالص نبود. این دولت مخلوطی از عربها و بربرها بود. زیرا نژاد بربر در مغرب در حقیقت قسمتهایی از پیکر جامعه ی آنها را تشکیل می داد.

و در آغاز امر، بربرها بودند که بنیاد حرکت ادریسیان را نهادند. ولی ما می توانیم دولت ادریسیان را یک دولت عربی بگوئیم زیرا رهبری حرکت ادریسیان وسیله اعراب صورت می گرفت. گذشته از این اعراب شرکت فعالی با بربرها در مغرب داشتند، و علاوه بر این عربهای اندلس که زیر نفوذ حکومت امویان بودند هم به سوی آنها کشیده شدند. درباره تعداد عربهای اندلس مورخان نوشته اند تنها از شهر قرطبه، عده اعرابی که به ادریسیان در شهر فاس پیوست ۸۰۰۰ خانواده بودند و به این ترتیب می فهمیم که مردم چگونه از دربار حکومت امویان در اندلس خود را بیرون کشیده به سوی دولت عربی شیعی رو می آوردند و بدان پناهنده می شدند.

دولت فاطمیان

دومین دولت شیعی عربی، دولت فاطمیان است. این فقط بزرگترین دولت شیعی نبود بلکه در حقیقت باید گفت بزرگترین حکومت اسلامی بوده است. اگر میزان عظمت و بزرگی در نگهداری و حفظ علم و ادب و گسترش فرهنگ اسلامی به همه جا باشد، این کشور بزرگترین کشورهای اسلامی است و نیز مقیاس عظمت اگر زیر نظر گرفتن و تربیت کردن مسائل فکری و

عقیدتی و تحریص علما و دانشمندان و شعرا و ادبا به کار خودشان باشد و هدف یک دولت بزرگ این باشد که این عده از دانشمندان و نویسندگان و ادبا را از کارهای روزانه آزاد سازد و فرصت و مجال به آنها بدهد که دنبال زندگی روزمره نروند و وقتشان را به کارهای علمی بپردازند و کاری به کار مسائل زندگی نداشته باشند و اگر میزان عظمت یک حکومت این باشد که در آن به آزادی ادیان و مذاهب توجه شود و آنها را تحت فشار نگذارد و تنها با آنها به نحو شایسته به بحث بپردازد، اگر میزان چنین باشد، باید گفت دولت فاطمیان بزرگترین دولتی است که جهان اسلام در تاریخ خود تا کنون دیده است و اصولاً باید گفت تنها دولتی که در این کار موفق شده است دولت فاطمیان بوده است. باز از نظر تنگی وقت متأسفم که اجازه ندارم همه آنچه را می‌خواهیم درباره این حکومت برای شما بگویم.

بیان شخصیت یکی از مردان این حکومت مانند شخصیت «المعز لدین الله» خود تنها چندین جلسه سخنرانی احتیاج دارد. آنچه می‌توانیم در این جلسه بگوئیم فقط بعضی از نمودهای این دولت است.

اولین دولتی که در جهان اسلام علم و دانش را زیر نظر گرفت دولت فاطمی بود. مقصود از پیگیری و حفاظت از علم این است که برای کار نشر علم نقشه‌ها طرح کرد و برنامه‌ها به وجود آورد و بودجه حکومت را در این راهها مصرف کرد. به زبان امروز می‌توانیم بگوئیم آنها نقشه‌ای برای سیاست آموزش عمومی طرح کردند. این تعلیمات عمومی مبتنی بر به وجود آوردن یک دانشگاه بزرگ بود، آنگاه آزاد گذاشتن دانشمندان که فقط فرصت‌های خود را به علم بپردازند. به طوری که گرفتاریهای زندگی، آنان را از کار پرداختن به علم منصرف نسازد و مسئله احتیاج و نیاز به معیشت آنان را از گسترش بحث و تحقیق باز ندارد. فاطمیان هزینه زندگی دانشمندان را آنچنان پیش بینی کردند که آنها به کلی از فکر معیشت آسوده باشند. قبل از حرکت فاطمیان اصولاً حکومت با کارهای علمی هیچ گونه ارتباطی نداشت. کسانی از دانشمندان که پدید آمده بودند تنها در اثر کوششهای شخصی خود شاخص شدند و نبوغ کردند. من در این سخن هیچکدام از دول اسلامی را استثناء نمی‌کنم. بعد از وفاق پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و بر پا شدن حکومت خلفا تنها کسی که باب علم را بر روی مردم گشود امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود. او از میان خانه خود و از میان مسجد مسلمانان، مدرسه بزرگ اسلام را بر پا ساخت، ولی از میان کسانی که نیرو و مال در اختیار داشتند ما هیچ نشنیده‌ایم که کسی برای امور و مسائل علمی خدمتی کرده باشد.

از مدرسه علی ابن ابی طالب (علیه السلام) فارغ التحصیلانی بیرون آمدند که مشهورترین آنها عبدالله بن عباس را می‌توان نام برد.

حکومت امویان نه تنها در کار علم هیچگونه اندیشه‌ای نداشت بلکه تنها اندیشه‌اش کوبیدن دانشمندان و پراکندن و متفرق ساختن آنها بود. در حقیقت آنها که علم را نگهداشتند و مثل فرزند خود از آن پذیرایی کردند و از نسلی به نسل دیگر منتقل ساختند، پیشوایان شیعه بودند. جای تأسف است که نسلهایی ما معمولاً آنچه از علی بن الحسین زین العابدین می‌دانند محدود است به چیزهایی خیلی سطحی و داستانهایی افسانه‌ای است. در صورتی که برای حضرت زین العابدین این امتیاز هست که او فکر اصیل اسلامی را مجدداً پایه‌گذاری کرد و دانشمندی را تربیت نمود. هر گاه حضرت زین العابدین نبود امویان برای مقاصد شوم خود که در جهل و نادانی نگاه داشتن امت اسلامی بود تا آخرین حد موفقیت نصیب آنها می‌شد.

تمدن اسلامی امروز موجودیت خود را مدیون خدمات زین العابدین علی بن الحسین می‌داند. هم اکنون جای تفصیل این سخن نیست.

دولت اسلامی فاطمیان اولین دولتی بود که کار علم و دانش را زیر نظر گرفت و برای علم و دانش نقشه و برنامه‌ای طرح کرد. آنها قبل از اینکه به کاخ‌های خود بپردازند دانشگاه برای مسلمانان درست کردند. دولت فاطمیان به این ترتیب اولین دانشگاه بزرگ اسلامی را به نام جامع الازهر در جهان اسلام بر پا داشت. این مهم نیست که فقط دانشگاه الازهر را فاطمیان بسازند ولیکن مسئله مهم نوع متد و روش برنامه‌های درسی است که در آن اجرا می‌شود. با اینکه دولت شیعی و دانشگاهش نیز شیعی بود، ولی فاطمیان برای اولین و آخرین بار در تاریخ اسلام اجازه دادند که کلیه اصحاب مذاهب اسلامی در جامع الازهر درسهایی خود را هر کدام بر طبق مذهب خود القاء کنند. و برای هر کدام از مذاهب مدرسی تعیین کردند که برای اهل آن مذهب در جامع الازهر درس بدهد. عده دانشجویان هر مذهب با میزان بسط و گسترش آن مذهب در مصر و سرزمینهای مجاور آن تناسب مستقیم داشت. ما از تعداد حلقه‌های درسی که طلاب و دانشجویان هر مذهب تشکیل می‌دادند می‌توانیم بفهمیم که آن مذهب چقدر در مصر و بلاد دیگر گسترش پیدا کرده است. مالکیان پانزده حلقه درس داشتند، شافعیان نیز حلقه‌های درشان به همین نسبت بود ولی حنیفیان فقط سه حلقه درس داشته‌اند. این آزادی مذاهب برای رشد علمی و فکری به تنهایی کاری است که اولین و آخرین بار در تاریخ اسلامی مشاهده می‌شود. وقتی کار حکومت فاطمیان به پایان رسید و حکومت را منحل کردند این نوع آزادی مذهبی نیز به کلی بر چیده شد، کار بزرگی که فاطمیان برای اولین بار در جهان اسلام بلکه باید گفت در همه دنیا

انجام دادند. و این کار بزرگ را دنیا نفهمیده بود مگر در این عصر و زمان ما، که همان فراخواندن دانشمندان از خارج بوده است. دانشمندانی که خارج از حوزه قدرت و نفوذ فاطمیان بودند با رنج و سختی، و تهیدستی و فقر بسر می بردند، زندگی آنان مصیبتی ناگوار و سخت بود. فاطمیان کسانی را به سوی آنها می فرستادند و آنان را به سوی خود دعوت می کردند و برای آنها یک زندگی عالی و خوب را تضمین می کردند. ما به عنوان مثال برخی از نامهای شخصیت هائی را از هر عصر به میان می آوریم، زیرا نمی توانیم همه اسامی آنها را در اینجا نام ببریم.

چیز دیگری که ما را نسبت به فاطمیان به شگفتی وامی دارد این است که همه دانشمندانی که به سوی آنها فراخوانده شدند یا خود بر آنها وارد شدند و مورد اکرام آنها واقع گردیدند و همه آنها که بر آنان وارد شده و در آن محیط فارغ و آسوده به کار علم پرداختند و زندگی شان را تأمین کردند، همه دارای مذهبی غیر از مذهب فاطمیان بودند. یکی از آنها عبدالسلام قزوینی، بزرگ معتزلیان است که به مصر آمد و مدت چهل سال در آنجا رحل اقامت افکند و تعالیم مذهبش را برای شاگردان خود تدریس می کرد. دیگر قاضی ابوالفضل محمد بغدادی پیشوای شافعیان است که او نیز به مصر آمد و هر چه خواست احادیث و تعالیم مذهبش را برای جزوه نویسی املاء کرد تا در سال ۴۱۴ هجری زندگی را بدرود گفت. و نیز دیگری به نام ابوالفتح سلطان بن ابراهیم فلسطینی است که در سال پانصد و هیجده از دنیا رفت. و شماری دیگر ابوالحجاج میورقی، مجلی بن جمیع مخزومی، قاضی علی موصلی، و ابو محمد عبدالله سعدی می باشند.

اینها همه در دوره های متفاوت بوده اند و این چهار کس که در پایان نام بردیم از کسانی هستند که برای فاطمیان با توجه به اینکه شافعی مذهب بودند، متصدی منصب قضاوت گردیدند. و از فقهای مالکی که به مصر فاطمیان روی آورد کسانی مانند محمد بن سلیمان معروف به ابوبکر نعال است که به سوی مصر آمد، گسترش و حلقه درسش در الازهر تا حدود ۱۷ عمود می رسید. در اینجا داستان فقیه مالکی مذهب عبدالوهاب بن علی را باید نقل کرد. کسی که خطیب در تاریخ بغداد در باره او گوید: در همه مالکی مذهبان از او فقیه تر دیده نشده است. دنیا به حدی بر او تنگ گرفت که چیزی نمانده بود از گرسنگی در بغداد بمیرد و جانی را برای حمایت از خود در برابر گرسنگی جز مصر فاطمیان پیدا نکرد و چون به مصر آمد، مال و ثروت به او روی کرد و مأمور شد تا با خیال راحت به بحث های علمی و تحقیقی اش بپردازد، ولی از قضا دیری نپایید مبتلا به فلج شد آنگاه گفت: لا اله الا الله! وقتی به زندگی رسیدیم درست همان وقتی است که باید بمیریم.

دیگر عبدالجلیل مخلوق ثقلی و ابوبکر طرطوسی و دیگرانند. ما کوشیدیم از هر دوره تاریخی تنها یک نفر را برای نمونه ذکر کنیم تا آشکار کنیم که این برنامه ادامه داشته و هیچ گاه قطع نشده است و جز نامهایی که بر شمریدیم صدها نام دیگر وجود دارد که نمی توان آنها شمار کرد و آمار گرفت، و جز این تعدادی که نام بردیم فاطمیان تنها دولتی هستند که کتابخانه های بزرگ در اسلام تأسیس کردند. این کتابخانه ها عددش به طور اعجاب آوری فزونی گرفت و تا اندازه ای در آنها کتاب گرد آمد که ما را امروز به حیرت می اندازد. برای نمونه کافی است که کتابخانه کاخ را که تعداد ششصد و یک هزار کتاب داشت نام ببریم. تنها این کتابخانه کاخ بوده است. برای تسهیل مطالعه مراجعه کنندگان کتابهای مادر یعنی کتابهای بزرگ مورد نیاز به قدری ذخیره می شد که تعداد آنها را می توان به صدها نسخه رساند، در این کتابخانه نگهداری می شده است.

نباید فراموش کرد که وجود این همه کتاب در دوران طبع و نشر نبوده است. در این دوره هر کتابی را از اول تا آخر دست نویسی می کرده اند. این مطالبی که گفتیم در هیچ دولتی از دولت های جهان اسلام نظیرش دیده نشده است مگر در دولتهای شیعی دیگر که در وسعت قلمرو به وسعت دولت فاطمیان نمی رسند، مانند دولت عماریان.

دولت بنی عمار

دولت بنی عمار یا عماریان سومین دولت شیعی عربی است که از آن نام می بریم. این دولت در سواحل لبنان و سوریه برپا گردید و قطعه کوچکی از زمین را در تصرف گرفت.

از این رو عظمت دولت فاطمیان و امکانات آن را نداشت. با این وصف کتابخانه بنی عمار در پایتخت مملکتشان طرابلس مشتمل بر بیش از یک میلیون کتاب بود.

در عهد دولت بنی عمار یک نهضت علمی و فکری مهمی در طرابلس شکل گرفت که دانشمندان و دانشجویان را از هر جای دنیا بدان سرزمین جذب می کرد تا جایی که از اندلس دانشمند بزرگ اندلسی احمد بن محمد طلیطلی بدان سرزمین روی آورد و بنی عمار سرپرستی و اداره کتابخانه بزرگشان را به او واگذار کردند.

در این کتابخانه تنها ۱۸۰ نفر به کار گمارده شده بودند که کارشان تنها کتاب نویسی و خرید و جمع کتاب بود. یکی از نویسندگان محقق می گوید طرابلس در دوران حسن بن عمار رونق به سزایی یافت.

محقق دیگر گفته است: از این کتابخانه آنچنان علم در تمام شهر منتشر شد که مورخین گفته اند طرابلس سراسر خانه علم گردید.

دولت حمدانیان

در شمال سوریه دولت شیعی دیگری به نام دولت حمدانی پدید آمد. قهرمان این دولت سیف الدوله حمدانی است.

او را نباید تنها قهرمان این حکومت خواند بلکه او قهرمانی از بزرگترین قهرمانان جهان اسلام در همه ادوار تاریخ اسلام است بلکه او یک قهرمان جهانی بزرگی است که باید قهرمانیش را در تاریخ جهان با دیگر قهرمانان بزرگ جهان که در تاریخ همه ملتها معرفی شده اند مقایسه کرد.

این که من در گفتارم از فاطمیان و بنی عمار اشاره قهرمانی های آنها در میدان های نبرد و لشکر کشی ها نکردم به خاطر اینست که فاطمیان در نبرد خود با رومیان، آنهایی که فکر می کردند جهان اسلام به کلی متلاشی شده و با نابود ساختن اسلام در این بلاد می توانند همه اراضی سابق خود را به دست آورند و بلاد اسلام را از مسلمانان بپردازند و نیز با وجود قهرمانی بنی عمار در جنگ و نبردشان با صلیبیین، جنگی که به قهرمانی جاودان آنها منتهی شد، اینکه من اشاره به این قهرمانی ها نکردم در وقتی که از این حکومت های مهم اسلامی سخن می گویم، علتش این است که وقت به من اجازه نمی داد. ولی سخن از دولت حمدانیان به میا آمد.

من به ناچار باید از قهرمانی آنها بگویم و مخصوصا از رهبر آنها سیف الدوله حمدانی باید با اشاره کوتاه و زود گذری از آنها سخن به میان بیاورم، زیرا هر چند قصد من را انجام نمی دهد ولی بهتر از این است که به کلی ذکر از آنها نشود.

دولت فاطمیان توانست در شدیدترین موارد احتیاج به حمایت و مدد اسلام بپاخیزد و با رومیها در خطرناک ترین و شدیدترین نبردها شرکت کرد و موفق شد رومی ها را به عقب برگرداند و خود پیروزمندانه از معرکه بیرون آید.

فاطمیان برای پیشبرد عالم اسلام موفق شدند کشتی های عظیم جنگی فراهم آورند.

این ناوگانهای جنگی بزرگترین کشتی جنگی روز در دریای مدیترانه معرفی می شد.

یکی از مورخین از این ناوگانها به این صورت نام برده است:

تعداد کاپیتانهای ناوگانهای جنگی فاطمیان در قرن چهارم هجری برابر قرن دهم میلادی به پنج هزار کاپیتان رسیده بود و تعداد کشتی هایشان بالغ بر ۲۲۰ کشتی جنگی بود.

به این ترتیب بود که این کشتی های جنگی، اروپائیان را مجبور کرد با کشتی هایشان به طرف شمال شرقی مدیترانه عقب بروند. زیرا بر سراسر این دریای بزرگ ناوگانهای جنگی فاطمیان مسلط شده بود از تنگه جبل الطارق تا بندر بیروت همه تحت سیطره حکومت فاطمیان بوده.

بنی عمار نیز با طلبیین سخت به جنگ پرداختند و با سخت ترین حملات خود آنها را از طرابلس عقب زدند.

فخر الملک عمار بن محمد بن عمار، سخت و پا بر جا تا پنج سال در برابر طلبیین استقامت ورزید. او با صلیبیین در دریا و خشکی به عنوان دفاع از اسلام مبارزه کرد. ولی لشکر صلیبیین مانند سیل از اروپا به سوی مشرق سرازیر شده بود.

بعد از ۵ سال این سیل عظیم لشگریان اروپائی صلیبی با دفاع قهرمانانه ای که از طرابلس می شد توانست وارد طرابلس شود.

اما حمدانیان از اولین ساعتی که دولت آنها تأسیس شد خود را رسماً رویاروی رومیان می دیدند.

رومیان که آرزو می کردند سیطره خود را بر جهان اسلام آنچنان مسلط کنند که سرزمین های خود را از مسلمانها باز پس گیرند، از مسلمانان سیف الدوله با لشکر کشی که داشت در برابر سیل آنها مقاومت کرد.

سیف الدوله فقط در قسمت شمال سوریه حکومت می کرد و مراکز او و پایتختش شهر حلب بود. وقتی مقایسه کنیم بین کمبود قلمرویی را که حمدانیان داشتند و وسعت عظیم جهانی که رومی ها مسلط بر آن بودند ، در نظر بگیریم و مقایسه کنیم بین مقداری که رومی ها می توانستند تهییج سپاه بکنند و بین بسیجی که سیف الدوله از سربازانش می توانست برای جنگ تجهیز کند ، وقتی بین اینها مقایسه کنیم، می بینیم که فرق عظیمی میان این دو بوده است ، ولی سیف الدوله با نیروی کمش توانست با حملات شنیع و شدید رومیها که به رهبری « فکفر فکاس » بود مقابله کند و به مقاومت بر خیزد.

سیف الدوله موفق شد این جمعیت عظیم را از جهان اسلام بیرون کند. سیف الدوله خود شخصا در چهل نبرد شرکت کرد و طلایه های لشگریانش به قلب آناتولی در ترکیه برسد ، چیزی نمانده بود که به قسطنطنیه راه یابد . جنگهای سیف الدوله سرودهایی در دهان شعرا بود .

او دوست می داشت که شعرا با او همراه باشند تا با چشم خود میدان نبرد را ببینند ، قصائد متنی در جنگهای سیف الدوله که بیش از ۸۰ قصیده است از عالیترین ادبیات عرب برای نشان دادن جنگهای قهرمانانه حمدانیان محسوب می شود.

در کنار این وضع می بینیم که حلب پایتخت شعر و ادب و اندیشه و دانش عربی بود و با وجود گرفتاریهای جنگی که داشت از اینکه دولتش یک دولت شیعی اصیل باشد، منصرف نگردید و وظیفه دولت شیعی اصیل را در توجه ویژه ای که به نگهداری دانشمندان و عنایت مخصوص به متفکران و توجه مخصوص به شعراء کوتاهی نکرد. از این دانشمندان، فیلسوف هایی چون فارابی و ابن خالویه و دانشمندی مثل متنبی و صدها از این قبیل مردان در کنار این دولت زندگی کردند.

دولت مرداسیان

وقتی دولت حمدانی سالخورده شده و از بین می رفت بر روی خرابی ها و ویرانیهای آن دولت شیعی دیگری برای نجات آن بر پاشد . دولت اخیر که از شهرت به عظمت دولت حمدانی معرفی نشده است، ولی در عظمت نظامی و فکری کمتر از دولت حمدانیان نبوده است، دولت مرداسیان است .

همانطوری که خداوند، فاطمیان ، حمدانیان ، بنی عمار و سایر دولتهای شیعی را برای جنگ در راه اسلام به وجود آورد، همچنین خدای بزرگ دولت شیعی بنی مرداس را برای نبرد به حمایت از جهان اسلام به وجود آورد و همان طور یکه شعرا نبردهای بنی حمدان سیف الدوله را شرح می دادند همچنان برای مرداسیان در توصیف نبردها شان شعرا می سرودند و نیز برای مرداسیان علما و متفکران و مورخان وجود داشتند و علم و فکر آنها را چنانچه در آن دولت ها بودند، توصیف می کردند .

دولت مزیدیه

دولت مزیدیه در عراق به وجود آمد . این دولت اگر نمی توانست فرصت و موقعیت لشگری مانند دولت های سابق داشته باشد ، ولی در میدانهای فکری و ادبی کمتر از آنها نبود .

ما می توانیم بگوئیم پایتخت آن شهر حله در زمان مؤسس آن «صدقه مزیدی» یکی از بزرگترین پایگاههای علمی و فکری و فرهنگی بود. از همان روز نخست صدقه به فکر ایجاد یک کتابخانه بزرگی در مرکز حکومتش افتاد. او موفق به این کار شد و کتابخانه حله پناهگاه کلیه دانشمندان از هر کجا گردید.

دولتهای زیدیان

من در اینجا اشاره به یکی از مذاهب شیعه به نام مذهب زیدی می کنم. زیدیان در میان اعراب و غیر اعراب بیش از یک دولت به وجود آوردند .

این مذهب امروز به یمن محدود شده است. همان وقتی که دولت زیدی در یمن کار می کرد دعوتهایی به نفع حکومت زیدی در همین ایران شما در شهرهایی که در قدیم به نام طبرستان و جبل و دیلم خوانده می شد، صورت گرفت همچنین در گرگان، در استر آباد و کوههای شمالی برای زیدیان تبلیغ می شد .

زیدیان ایران موفق شدند چندین دولت زیدی در ایران تأسیس کنند. میان زیدیهای ایران و شیعیان زیدی یمن ارتباط بر قرار بود. بین آنها نامه هایی مبادله می گردید و رفت و آمدهایی صورت می گرفت.

چیزی که باید برای پیشوایان زیدی یمن گفت این است که ائمه زیدی در یمن احترام به فکر می گذاشتند و نسبت به مقام علم و عالم تجلیل می کردند. به عنوان دلیل این مطلب توجه شما را به مطلب زیر جلب می کنم .

صاحب کتاب اکلیل به نام حسن بن احمد همدانی را آل یعفر به زندان انداخته بود. همدانی فکر می کرد که این عمل ، به اشاره و رأی ناصر بن احمد بن یحیی هادی ، یکی از پیشوایان زیدی صورت گرفته است. او به انتقام از پیشوایان زیدی کتابهای خود را از حمله به آنها پر کرد .

این حملات نه فقط به کسی بود که او را به زندان انداخته بود ، بلکه شامل همه پیشوایان زیدی و همه پیروان آنها بود . با این حال پیشوایان زیدی از این کتاب ها احترام کردند و خود و قومشان از اینکه همدانی در این کتاب بر مذهب آنها حمله کرده است ، صرف نظر کردند و خود را به نادانی از آن نوشته زدند و آن کتابها را نگه داشتند و اجازه ندادند کسی دست خیانت به آنها دراز کند.

این کتابها فقط در کتابخانه های محفوظ آنها نگهداری شد و هیچکس نتوانست آنها را بسوزاند یا از بین ببرد ، ما برای نمونه کتاب دامغه و شرح کتاب دامغه را نام می بریم که به منظور حمله به آنها و انتقام از آنها نوشته شده بود. آنان خود در حفظ و نگهداری این کتاب که نزدشان بود توجه کردند.

از این رو تا امروز از بین نرفته است و تنها از کتابخانه های آنان به دست ما می رسد. این در حالی است که در کلیه بلاد اسلامی کتابهای فرقه معتزله را نابود کردند و این کتابها همه از بین رفت. فقط در خزانن و کتابخانه های محفوظ یمنیها آثار معتزله به جای ماند .

وقتی ما این حکام و زمامداران را با دیگران مقایسه کنیم مثلا وقتی اینان را با صلاح الدین ایوبی در برابر هم قرار می دهیم، کسی که همه نوشته های فاطمیان و کتابهایی که آنها در کتابخانه هایشان جمع کرده بودند همه را نابود کرد و فقط دلیلش این بود که کتابها مال فاطمیان است حتی کتابهایی که فاطمیان تألیف نکرده بودند و پیروانشان نوشته بودند و حتی کتابهایی که کمترین رابطه با فاطمیان و مذهبشان نداشت، آنها را نیز نابود کردند.

اینها کتابهای علمی و ادبی و تاریخی بود . تنها گناه این کتابها این بود که در کتابخانه فاطمیان جمع شده بود.

وقتی ما میان اینها مقایسه می کنیم می بینیم چه تفاوت عظیمی در بین هست ، ولی تعجب ما از آنجا از بین می رود که می دانیم شیعیان زیدی از امرای استفاده کرده بودند که از ریشه و مبنای احترام به عقیده و فکر یعنی تشیع راستین سرچشمه گرفته بود.

تشیع جبل عامل

این بود گوشه ای از تاریخ تشیع در نزد همه اعراب.

من دوست می داشتم وقت زیادتری از تاریخ تشیع در نزد همه اعراب برای شما شرح بدهم ولی من سخنم را در این باره کوتاه کرده و تنها بحث تشیع را به لبنان می برم و حد اکثر استفاده را از آن می کنم .

در این کشورها که نام می برم شیعه به نسبت های مختلفی پیدا می شود: عراق - لبنان - کویت - بحرین - مسقط - عمان - سوریه - قطیف و احسا از کشور سعودی حجاز ، قطر - دوبي و جمیع شهرهای خلیج فارس .

شیعیان در یمن ، همه زیدی هستند. غیر از شیعه زیدی در یمن شیعیان دیگر خیلی کم اند ، اما وقتی سخن از شیعیان لبنان به میان می آید به خاطر این نیست که لبنان کشوری است که من به آنجا منسوبم ، بلکه به خاطر آن است که شیعیان در لبنان نفوذ و تأثیری بیش از همه اقطار شیعی عربی و غیر عربی داشته اند .

تأثیر شیعیان را در نقاط مختلف به طور متفاوت باید به حساب آورد، ولی به طور قطع با اختلاف نفوذی که هست در همه جای لبنان این نفوذ موجود است.

اگر ما نفوذ نجف اشرف را استثناء کنیم، به خاطر اینکه نجف مرکزی است که نقش موثری در رهبری همه شیعیان جهان داشته و بزرگان از مجتهدین را به همه کشورهای شیعی فرستاده است و کلیه خیر و صلاحی که در کشورها ملاحظه می شود از ناحیه

کتابخانه مجازی تبیین

رهبري فرزندان تربیت شده نجف اشرف است، در درجه دوم بعد از موقعیت نجف هیچ سرزمینی به اندازه لبنان تأثیر روی شیعیان جهان نگذاشته است . وقتی سخن از لبنان به میان می آید .

منظور فقط یک ناحیه لبنان است که به نام جبل عامل خوانده می شود . از اینرو من اسم لبنان را حذف می کنم و به جای آن فقط جبل عامل می گویم ، جبل عامل را امروز جنوب لبنان یا لبنان جنوبی می گویند و شیعیان لبنان فقط در جبل عامل نیستند بلکه در جاهای دیگر نیز یافت میشوند .

بعد از جبل عامل مهمترین نقاطی که در لبنان شیعه وجود دارد یکی بعلبک و دیگری هرمل است ولی تأثیر سرزمین جبل عامل از همه جاهای دیگر لبنان در تشیع بیشتر است. به این ترتیب از اینجا ما اسم جبل عامل را به جای کلمه لبنان به کار می بریم .

شیعیان در جبل عامل معتقدند که سابقه تشیع آنها به ابوذر غفاری می رسد . وقتی عثمان ابوذر غفاری را به شام تبعید کرد، آنگاه معاویه او را از شام به یکی از کوه های شام فرستاد .

مردم جبل عامل می گویند آن کوهی که معاویه ابوذر را به آنجا فرستاد همان کوه جبل عامل است و دلیلشان این است که در دو دهکده قدیمی جبل عامل، دو مسجد قدیمی است که هر دو نام ابوذر غفاری را بر روی خود دارند .

به این ترتیب آنها معتقدند اولین سرزمینی که تشیع را بعد از حجاز به خود گرفت، آنچنان که در سخنرانی قبل گفتیم، سرزمین جبل عامل است . آیا تاریخ در این باره چه عقیده دارد؟

اینکه عثمان ابوذر را از مدینه به شام تبعید کرد و معاویه او را از شام به یکی از کوهها فرستاد از نظر تاریخ جای تردید نیست ولی اینکه آیا ابوذر غفاری در تشیع جبل عامل موثر بوده است مطلبی است که از نظر تاریخ نمی شود ثابت کرد.

مخصوصاً وقتی که توجه کنیم که در سوریه و لبنان و جبل عامل بعد از تبعید ابوذر چه حوادث مهمی پیش آمد . این حوادث کافی بود که ریشه تشیع را از آن سرزمینها برکند. برفرض بتوانیم ثابت کنیم که جبل عامل در زمان ابوذر تشیع را پذیرفته بود.

من این مسئله را در همه مآخذ تاریخی پیگیری کردم در نتیجه به این مطلب رسیدیم که تشیع جبل عامل به دوران حکومت فاطمیان منتهی می شود. زیرا جبل عامل در آن روز زیر حکومت فاطمیان بود، و از آن روز تشیع به همه سرزمینهای فلسطین و سوریه گسترش یافت .